

گذرگاه پژوهشگران حله

نورالدین علی لو

«حله» در لغت به معانی متعددی آمده؛ از جمله به معنای محل اجتماع مردم یا منزلگاه، و این نامی است که شیعیان بر آن نهاده‌اند و پیش از آن، این سرزمین «جامعین» خوانده می‌شد. این شهر در یکصد کیلومتری جنوب شرقی بغداد و شصت کیلومتری شهر نجف اشرف و در هفت کیلومتری بابل، مرکز استانی به همین نام قرار دارد و رود فرات از میان آن می‌گذرد. بنای این شهر به سال ۴۹۳ هجری توسط سیف‌الدوله امیر صدقه‌بن منصور اسدی بنا گردید و بعد از ساختن قصرهای زیبا در سال ۴۹۵ هجری در آن شهر فرود آمد و آن جا را مرکز حکومت خود قرار داد.^۱ حله از شهرهای شیعه‌نشین است که از قرن ششم مرکز حوزه‌های علمیه عالم تشیع بوده و در آن زمان دانشمندان آن دیار همانند ستارگان درخشان می‌درخشیدند و آوازه آنان جهان اسلام را فراگرفته بود. محوریت و مرکزیت حوزه علمیه حله تا قرن دهم ادامه یافت و بعد از

آن به کربلای معلای و پس از مدتی به حوزه هزار ساله نجف اشرف منتقل شد. در اهمیت حوزه حلّه در آن زمان، همین بس که صاحب «ریاض العلماء» نقل کرده که در حلّه، فقط در طول یک قرن پانصد مجتهد به پا خواسته، تا چه رسد به قرن‌های مختلف.

اهالی این شهر، شیعه دوازده امامی‌اند.^۲ بسیاری از خانواده‌های بزرگ علمی و ریشه‌دار مانند بیوت آل مطهر، آل طاووس، کاشف الغطاء، ابن نما، آل سعید، آل معیه و... از این شهر برخاسته‌اند و بسیاری از عالمان بلندآوازه شیعه همانند علامه حلی، محقق حلی و... به این شهر منسوبند.^۳ در این گفتار به زندگی علمی چهار تن از دانشمندان این شهر که در زمان خود، مرکز بزرگ فرهنگی جهان اسلام بوده اشاره می‌کنیم:

سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس

شجره طیبه وی از این قرار است:

سید ابوالمظفر غیاث‌الدین عبدالکریم بن احمد بن موسی بن جعفر بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن طاووس بن اسحاق بن حسن بن محمد بن سلیمان بن داوود بن حسن مثنی بن حسن بن علی بن ابی‌طالب (ع). وی در ماه شعبان ۶۴۸ یا ۶۴۷ هجری در کربلای معلی دیده به جهان گشود^۴ و در شهر حله پرورش یافت و عمده تحصیلات خود را در بغداد پی گرفت. در یازده سالگی حافظ کل قرآن شد و در چهارده سالگی (پیش از بلوغ) به درجه والای اجتهاد رسید. در عرض چهل روز از نوشتن درس معلم بی‌نیاز گردید؛ در حالی که بیش از چهار بهار از عمر مبارک وی سپری نشده بود.

«حلّه» در لغت به معانی متعددی آمده؛ از جمله به معنای محل اجتماع مردم یا منزل‌گاه، و این نامی است که شیعیان بر آن نهاده‌اند و پیش از آن، این سرزمین «جامعین» خوانده می‌شد.

اهالی این شهر، شیعه دوازده امامی‌اند. بسیاری از خانواده‌های بزرگ علمی و ریشه‌دار مانند بیوت آل مطهر، آل طاووس، کاشف الغطاء، ابن نما، آل سعید، آل معیه و... از این شهر برخاسته‌اند و بسیاری از عالمان بلندآوازه شیعه همانند علامه حلی، محقق حلی و... به این شهر منسوبند.

مشایخ و اساتید وی از شیعه و سنی

۱. پدر بزرگوارش سید احمد بن طاووس (۶۷۳ هـ)؛ ۲. محقق حلی جعفر بن حسن (۶۰۲ - ۶۷۶ هـ)؛ ۳. حس بن محمد مقدادی؛ ۴. حسین بن عبدالکریم غروی؛ ۵. حسینی بدر (از علمای اهل سنت در علوم ادبی)؛ ۶. ربیع بن محمد کوفی (۶۸۲ هـ)؛ ۷. سید عبدالحمید بن فخار موسوی (۶۱۹ هـ) سید بن طاووس از این استاد موفق به دریافت اجازه نیز گشته است؛ ۸. عبدالرحمن بن احمد حربی حنبلی (از علمای اهل سنت)؛ ۹. شیخ حسین بن ایاز (۶۸۱ هـ)؛ ۱۰. قاضی عبدالله بن محمد بلدچی؛ ۱۱. علی بن عزام؛ ۱۲. عموی بزرگوارش سید رضی الدین علی بن موسی بن طاووس (۵۸۳ - ۶۶۴ هـ)؛ ۱۳. محمد بن جهیم مفید اسدی (۶۸۰ هـ)؛ ۱۴. محمد بن محمد خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ هـ)؛ ۱۵. محمد بن محمد بن اباب بغدادی؛ ۱۶. محمد بن معد موسوی (زنده به سال ۶۱۶ هـ)؛ ۱۷. کمال الدین میثم بن علی بحرانی (۶۳۶ - ۶۹۹ هـ)؛ ۱۸. یحیی بن احمد بن یحیی هذلی حلی (۶۸۹ هـ) سید از این استاد بزرگوار نیز موفق به دریافت اجازه گردید.^۵

شاگردان و روایت کنندگان از وی

۱. شیخ تقی الدین ابو محمد حسن بن داود حلی، صاحب کتاب «رجال» معروف (۶۴۷ هـ)؛ ۲. فرزندش رضی الدین علی بن طاووس (۷۴۱ هـ)؛ ۳. کمال الدین عبدالرزاق بن احمد بن فوطی (۶۴۲ - ۷۲۳ هـ) از علمای اهل سنت. ۴. علی بن عثمان بغدادی (۵۹۳ - ۶۷۴ هـ)؛ ۵. کمال الدین علی بن حسین بن حماد لیشی (۷۴۵ هـ)؛ ۶. عبدالحمید بن احمد بن ابی الجیش حنبلی (۵۹۳ - ۶۷۴ هـ).^۶

و فرزندان معظم له که در علم و فضل نام آور بودند: سید رضی الدین علی بن عبدالکریم بن طاووس (۷۴۱ هـ) و ابوالفضل محمد بن عبدالکریم بن طاووس که در آخر محرم ۶۷۰ هجری در بغداد متولد شد.

این نابغه بی بدیل جهان تشیع از نظر علمی و معنوی چنان مقام و مرتبه‌ای دارد که قلم از ثنای او عاجز است. برای توصیف مقام علمی و معنوی وی به گفتار یکی از شاگردانش که خود از بزرگان علوم اهل بیت علیهم‌السلام است بسنده می‌کنیم. حسن بن داود حلی در رجال خود می‌نویسد:

سید بزرگوار ما امام معظم، فقیه، نسابه، نحوی،
عروضی، زاهد و عابد... من از کودکی تا هنگام
وفات در خدمت او بودم. نه قبل و نه بعد از او کسی
را در اخلاق حمیده و اعتدال و حسن معاشرت و
هوش و نیروی حافظه، مانند وی ندیدم. چیزی وارد
ذهن او نشد که آن را فراموش کند. مناقب و فضایل
او را نمی توان برشمرد.^۷

وی در جمادی الاول سال ۶۸۰ هجری به مشهد الرضا علیه السلام
سفر کرد.^۸ با این مرتبه و مقام علمی، متأسفانه آثار زیادی
از ایشان به جا نمانده؛ جز این چند کتاب:

۱. الحواشی علی المجدی: حاشیه سید بزرگوار بر کتاب
«المجدی فی انساب الطالبین» نوشته ابوالحسن علی بن
محمد علوی عمری که در علم انساب است.

۲. الشمل المنظوم فی مصنفی العلوم: در شرح حال
دانشمندانی که در علوم مهم، کتاب‌هایی تألیف کرده‌اند.
این کتاب به «رجال سید عبدالکریم» نیز معروف است.

۳. فرحة الغری بمرحة الغری (فی تعیین قبر امیرالمؤمنین
علی بن ابی طالب علیه السلام فی النجف): این اثر نفیس در دو مقدمه
و پانزده باب تنظیم شده است. در یکی از مقدمات، به علت
اختلاف قبر مبارک امام علیه السلام و در ابواب پانزده گانه، درباره
آنچه از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، امام علی، امام حسن و امام حسین،
امام سجاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام
جواد، امام هادی، امام حسن عسکری علیه السلام، زید شهید و
آنچه از رشید و منصور و جمعی از بزرگان بنی هاشم درباره
مزار شریف مولا علی علیه السلام نقل شده و یا کراماتی که در کنار
ضریح مظهر علی علیه السلام به وقوع پیوسته است بحث می کند.^۹

◆
ابن طاووس پس از سقوط
بغداد توسط هلاکوخان مغول
در سال ۶۵۶ هجری، از حله
به بغداد آمد و در آنجا از
محضر فیلسوف بزرگوار
خواجه نصیرالدین طوسی و
دیگر بزرگان شیعه و سنی
بهره برد و به درس و بحث
معقول و منقول و دیگر علوم
پرداخت و در سایه هوش و
استعداد خدادادی اش به
مقام والایی از علم و عمل
دست یافت و در روزگار خود،
نقابت و سرپرستی علویان را
بر عهده گرفت.

این کتاب گران‌سنگ بارها به چاپ رسیده؛ از جمله در سال ۱۳۱۱ قمری همراه با کتاب «مکارم الاخلاق» در قطع وزیری، در تهران و در سال ۱۳۶۸ قمری در نجف منتشر شده است. ۳۱ نسخه خطی از این اثر شریف، در کتابخانه‌های معتبر تهران، قم و مشهد نگه‌داری می‌شود. علامه بزرگوار شیخ محمدباقر مجلسی آن را به فارسی ترجمه کرده و هشت نسخه خطی هم از ترجمه این اثر در کتابخانه‌های مشهد، قم و تهران وجود دارد.^{۱۰}

عبدالکریم ابن طاووس پس از سقوط بغداد توسط هلاکو خان مغول در سال ۶۵۶ هجری، از حله به بغداد آمد و در آنجا از محضر فیلسوف بزرگوار خواجه نصیرالدین طوسی و دیگر بزرگان شیعه و سنی بهره برد و به درس و بحث معقول و منقول و دیگر علوم پرداخت^{۱۱} و در سایه هوش و استعداد خدادادی‌اش به مقام والایی از علم و عمل دست یافت و در روزگار خود، نقابت و سرپرستی علویان را بر عهده گرفت.

خانه این عالم فرزانه، مجمع علمای بزرگ و اشراف بود. وی دارای مقامات و کراماتی بود. از کرامات وی می‌توان به نازل شدن باران بر اثر دعای وی اشاره کرد.

این نابغه نامی و فقیه بی‌نظیر شیعه در روز دوشنبه ماه شوال ۶۹۳ هجری، در ۴۵ سالگی در کاظمین رحلت کرد و در جوار بارگاه ملکوتی امام علی (ع) آرام گرفت. بنابر برخی منابع تاریخی، در شهر حله در گذشت و در کنار سید علی بن طاووس مدفون گردید. اکنون قبر وی زیارتگاه دوستداران علم و عمل است.^{۱۲}

منابع برای اطلاع بیشتر:

۱. نقد الرجال، ص ۱۹۱.	۱۱. جامع الرواة، ج ۱ و ۴۶۳.
۲. نامه دانشوران، ج ۱، ص ۱۸۲.	۱۲. روضات الجنات، ج ۴، ص ۲۲۱.
۳. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۱۶۴ - ۱۷۹.	۱۳. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۵۹.
۴. بلغه المحدثین، ص ۳۷۴.	۱۴. الاعلام، ج ۴، ص ۱۷۶.
۵. رجال ابن داود حلی، ۲۲۶.	۱۵. معجم المؤلفین العراقيین، ج ۵، ص ۳۱۴.
۶. لؤلؤة البحرين، ص ۹۰.	۱۶. الذریعة، ج ۱۴، ص ۲۳۲.
۷. المقابیس، ص ۱۶.	۱۷. اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۴۲.
۸. منتهی المقال، ص ۱۷۹.	۱۸. معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۶۲.
۹. مستدرک الوسائل.	۱۹. جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۳۶.
۱۰. سفینه البحار، ج ۲، ۱۲۲.	۲۰. هدیه العارفین، ج ۱، ص ۶۱۲.
	۲۱. ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۵۷.

۲۲. قاموس الرجال، ج ۵، ص ۳۵۳.	۴۷۹ - ۵۰۶. ص
۲۳. تاریخ الحله، ج ۲، ص ۲۹.	۲۷. مفاخر اسلام، ج ۴، ص ۲۳۲.
۲۴. انوار الساطعة، ص ۹۲.	۲۸. فوائد الرضویه، ج ۱، ص ۴۰۶ و ۴۰۷.
۲۵. معجم القاب، ج ۲، ص ۴۴۲.	۲۹. فرحة الغری، مقدمه.
۲۶. انیس النفوس فی تراجم رجال آل طاووس،	۳۰. موسوعة طبقات الفقهاء.

ابن سعید حلی

ابوزکریا، نجیب‌الدین یحیی بن احمد هذلی حلی، معروف به «ابن سعید». آل سعید یکی دیگر از طایفه‌های درخشان علمی حله و دیگر حوزه‌های علمی عراق می‌باشد. در میان این خاندان، ابن سعید درخشش بیشتری دارد. وی از نوادگان دختری فقیه نامدار شیعه، ابن‌ادریس حلی و پسرعموی پیشوای مجتهدین، محقق حلی می‌باشد.

ابن سعید به سال ۶۰۱ هجری در شهر کوفه متولد شد، اما در حله رشد و نما یافت^{۱۳} و مراتب بالای علمی را یکی پس از دیگری سپری کرد و از فقهای مشهور و پرآوازه جهان گردید. اساتید و مشایخی که «ابن سعید» از آنان بهره برده، عبارتند از:

نقل شده که ابن‌سعید حلی برای احترام به مقام علمی و شخصیت بزرگ محقق، در درس وی شرکت می‌کرد و از وی مفتخر به دریافت اجازه گردید. ابن‌سعید علوم فقه، اصول فقه، حدیث و ادب را از محضر این دانشمندان فراگرفت و در کنار تحصیل، شاگردان بنام و پرآوازه‌ای را پرورش داد.

۱. پدر بزرگوارش احمد بن یحیی هذلی حلی، (متوفای ۶۹۰ هـ)؛ ۲. سید فخار بن محمد موسوی (متوفای ۶۳۰ هـ)؛ ۳. ابوحامد سید محمد بن عبدالله حسینی حلبی (۵۶۴ - ۶۳۴ هـ)؛ ۴. محمد بن جعفر بن نما حلی (متوفای ۶۴۵ هـ)؛ ۵. محمد بن ابن البرکات؛ ۶. جعفر بن حسن محقق حلی (۶۰۲ - ۶۷۶ هـ).

نقل شده که ابن سعید حلی برای احترام به مقام علمی

و شخصیت بزرگ محقق، در درس وی شرکت می‌کرد و از وی مفتخر به دریافت اجازه گردید.^{۱۴} ابن سعید علوم فقه، اصول فقه، حدیث و ادب را از محضر این دانشمندان فراگرفت و در کنار تحصیل، شاگردان بنام و پرآوازه‌ای را پرورش داد و به جهان اسلام تقدیم کرد:

۱. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر حلّی (متولد ۶۴۸ هـ)؛ ۲. سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس (متوفای ۶۹۳ هـ)؛ ۳. حسن بن داود حلی، «صاحب جال» (۶۴۲ - ۷۲۳ هـ)؛
۴. سید محمد بن ابی الرضا علوی، صاحب کتاب «تعازی»؛ ۵. پسر بزرگوارش محمد بن یحیی؛ ۶. سید حسن بن علی حسین ابرز (۶۰۷ - ۶۶۳ هـ)؛ ۷. سید محمد الدین محمد بن علی اعرج حسنی؛ ۸. علی بن حسین بن عماد لیشی واسطی (۷۴۵ هـ)؛ ۹. حسین بن اردشیر طبری (۷۳۰ هـ)؛ ۱۰. حسن بن احمد بن نما (زنده به سال ۷۵۲ هـ).^{۱۵}

ابن سعید بعد از محقق، به تدریس و تعلیم شاگردان والامقامی همت گمارد. برای شناخت مقام علمی وی به سخن چند تن از دانشوران علوم آل محمد ﷺ اشاره می‌کنیم:

- علامه حلی در اجازه بنی‌زهره می‌گوید: «وی دانشمندی زاهد و پارساست».^{۱۶}
 - صاحب رجال ابن داود حلی گوید: «استاد ما امام، علامه و پیشوای پاک‌سرشت، جامع فنون و علوم ادب و فقه و اصول و پارساترین دانشمندان عصر خود بود».^{۱۷}

- قاضی نورالله شوشتری وی را از «بزرگان مجتهدین شیعه»^{۱۸} یاد کرده است.
 - شیخ عباس قمی وی را «شیخ عالم فاضل فقیه، ادیب، نحوی،...»^{۱۹} خوانده است.
 ابن سعید در غالب علوم صاحب نظر بوده که به برخی از آثار مکتوب وی اشاره می‌کنیم:

۱. الجامع للشرایع (جامع الشرایع): این کتاب، یک دوره کامل فقه شیعه است. ۲۵ نسخه خطی از این اثر نفیس در کتابخانه‌های مشهد، قم و تهران موجود است. ۲۰ در سال ۱۴۰۵ قمری نیز در قم توسط «انتشارات سیدالشهداء العلمیه» با اشراف آیت‌الله سبحانی در قطع وزیری در ۶۴۸ صفحه و چاپ دیگری در بیروت توسط انتشارات «دارالاضواء» به زیور چاپ آراسته گردید.

۲. نزهة الناظر فی الجمع بین الاشباه و النظائر: در موضوع جمع میان اشباه و نظایر در فقه امامیه نوشته شده و از طهارت تا دیات را در بر دارد. از این اثر گرانسنگ بیش از ۶۸ نسخه خطی در شهرهای تبریز، تهران، قم، کرمانشاه، شیراز، همدان، کاشان و یزد نگه‌داری

می‌شود. ۲۱ این اثر با تحقیق سید احمد حسینی و نورالدین واعظی به سال ۱۳۸۶ قمری در قطع رقعی، در ۱۶۷ صفحه در نجف و در سال ۱۳۱۸ قمری در تهران به چاپ رسیده است.

۳. المدخل: در اصول فقه

۴. آداب السفر

۵. قضاء الفوائت: رساله‌ای در موضوع قضای نمازهای فوت شده.

۶. الفحص و البیان عن اسرار القرآن: در موضوع دلالت آیات بر اختیار بندگان.

۷. معالم الدین: در فقه

۸. كشف الالتباس عن نجاسة الارجاس: در فقه. از این کتاب نفیس ۲ نسخه خطی در کتابخانه

آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله و مرکز احیاء التراث نگاه‌داری می‌شود.^{۲۲}

در مدح این فقیه نام‌آور و کتاب ارزشمند «الجامع الشرائع» یکی از بزرگان فن چنین گفته است:

لیس فی الناس فقیه مثل یحیی بن سعید

صنف الجامع فقهاً قد حوی کل شرید

یعنی در میان مردم فقیهی مانند ابن سعید نیست. او کتابی به نام «الجامع» در فقه تصنیف

کرده که تمام فروع و جزئیات فقه را دربر دارد.^{۲۳}

و یکی از فضیلت‌های دیگر گفته است:

یا سعید الجدود یا ابن سعید

انت یحیی العلم باسمک «یحیی»

ما رأینا کمثل بحثک بحث

ظنه العالم المحقق وحیا!

یعنی ای کسی که اجدادت، همه مردمی باسعادت بودند! ای فرزند سعید! تو یحیی هستی و

علم به نام تو زنده است. ما مجلس درس و بحثی مانند درس تو ندیدیم. دانشمند محقق اگر

درس شما را ببیند، آنرا وحی می‌پندارد.^{۲۴}

فرزند ابن سعید درباره پدر بزرگوارش گفته است: «شیخ بزرگوار صفی‌الدین محمد بن

یحیی از فقهای بزرگ و از فرزندان مشهور بوده است».

ابن سعید پس از سپری کردن عمری بابرکت، در شب عرفه سال ۶۸۱ هجری در شهر حلّه رحلت کرد و در مزاری که اکنون معروف به «قبره شیخ منتجب الدین یحیی بن سعید» است، مدفون گردید.^{۲۵} درود و رضوان خدا بر او باد.

منابع برای اطلاع بیشتر:

۱. جامع الرواة، ج ۲، ص ۳۳۴.
۲. نقد الرجال، ۳۷۱ - ۳۷۰.
۳. بقیة الدعاة، ج ۲، ص ۳۲۱.
۴. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۷، ص ۲۱۶ - ۲۱۸.
۵. امل الآمل، ج ۲، ص ۳۴۶.
۶. تأسيس الشیعه، ص ۳۰۷.
۷. تنقیح المقال، ص ۳۱۲.
۸. الذریعة، ج ۵، ص ۶۱.
۹. رجال ابن داود، ص ۳۷۶.
۱۰. لؤلؤة البحرين، ص ۳۵۲.
۱۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۲.
۱۲. مجالس المؤمنین، ۲۳۴.
۱۳. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۳۳۶ - ۳۴۰.
۱۴. روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۸۷.
۱۵. فوائد الرضویة، ج ۲، ص ۱۰۸۳ و ۱۰۸۴.
۱۶. بابلیات، ۳ جلد.
۱۷. تاریخ حلّه، ج ۲.
۱۸. مقدمه کتاب «الجامع للشرائع» از نویسنده.

سدیدالدین اسدی (پدر علامه حلّی)

یکی دیگر از خاندان‌هایی که باعث افتخار جهان تشیع، بلکه جهان اسلام است، خاندان «آل مطهر» در حلّه می‌باشد. سدیدالدین ابوالمظفر یوسف بن علی اسدی ابتدا در محضر علما و فقهایی حله تحصیل علم کرد و سپس به حوزه درس محقق حلّی در آمد و طولی نکشید که از پرمایه‌ترین شاگردان محقق گشت. کمی بعد به افتخار دامادی محقق در آمد و با خواهر وی ازدواج کرد و ثمره این وصلت مبارک، دو فرزند نامدار ایشان یعنی علامه جمال‌الدین حسن بن یوسف حلّی معروف به «علامه حلّی» از ستارگان پرفروغ جهان اسلام و در شمار اعظام مجتهدین شیعه و نوابع اسلام، و فرزند دیگر، رضی‌الدین علی بن یوسف حلّی است که وی نیز از علمای بزرگ و بنام بوده و صاحب کتاب «العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة» درباره ایام ماه است.^{۲۶}

صاحب کتاب «امل الآمل» وی را «برادر علامه و دانشمندی فاضل»^{۲۷} وصف کرده است. پدر شیخ سدیدالدین، یعنی زین‌الدین علی بن مطهر حلّی نیز از دانشمندان والامقام بوده است. پدر علامه حلّی پس از طی مدارج علمی فقه و اصول، فقهی نامدار و اصولی گران‌مایه‌ای گردید.

استادان و مشایخ

وی از علمای بسیاری بهره برد که به نام چند تن از ایشان اشاره می‌کنیم:

۱. سالم بن محفوظ سوراوی (متوفای ۶۳۰ هـ)؛ ۲. رضی‌الدین علی بن طاووس حلّی (متوفای ۶۶۴ هـ)؛ ۳. صفی‌الدین محمد بن سعد موسوی؛ ۴. علی بن ثابت سوراوی (متوفای بعد از ۶۳۳ هـ)؛ ۵. خواجه نصیرالدین طوسی (۶۹۷-۶۷۳ هـ)؛ ۶. سید احمد بن یوسف عریضی علوی. ۷. شیخ راشد بن ابراهیم بحرانی (متوفای ۶۰۵ هـ)؛ ۸. سید عزالدین محمد بن حسن حسینی بغدادی؛ ۹. نجیب‌الدین محمد بن نما حلّی (متوفای ۶۴۵ هـ)؛ ۱۰. سید فخار بن سعد موسوی (متوفای ۶۳۰ هـ)؛ ۱۱. مهذب‌الدین حسین بن ابی‌الفرج بن رده نیلی (متوفای ۶۴۴ هـ)؛ ۱۲. یحیی بن محمد بن فرج سوراوی (زنده به سال ۶۲۰ هـ).^{۲۸}

سدیدالدین در اثر پشتکار علمی «فقیهی محقق و مدرسی عظیم‌الشان شد»^{۲۹} صاحب کتاب «امل‌الامل» او را «شیخ بزرگ، دانشمند فاضل و فقیه متبحر»^{۳۰} یاد کرده و شهید ثانی وی را از «افضل‌المجتهدین»^{۳۱} شمرده است.

برای آشنایی با مقام والای علمی پدر علامه، به داستانی تاریخی که نویسنده «مفاخر اسلام» از علامه حلّی در اجازه‌نامه بنی‌زهره نگاشته است اشاره می‌کنیم تا ارزش فکری و علمی این عالم بزرگوار بیشتر روشن شود. علامه در اجازه بنی‌زهره می‌فرماید:

هنگامی که خواجه نصیرالدین طوسی وارد حله شد و به حوزه درس محقق حلّی در آمد و شاگردان محقق را نگریست، از محقق پرسید کدام یک از اینان اعلم می‌باشند؟ محقق فرمود: همه اینها از فضلا و علما هستند؛ با این فرق که یکی در یک فن مبرز می‌باشد و دیگری در فن دیگر. خواجه نصیر پرسید: اعلم ایشان در علم اصول کیست؟ محقق اشاره به پدرم سدیدالدین و فقیه مفیدالدین محمد بن جهیم کرد و گفت: این دو نفر از همه این جماعت در علم کلام و اصول فقه اعلم می‌باشند.^{۳۲}

بیشترین تحصیلات علامه حلّی در فقه و اصول، ادب و اخلاق، نزد پدر بزرگوارش شیخ سدیدالدین یوسف حلّی بوده است و شاگرد دیگر وی فرزند دومش، یعنی برادر علامه حلّی رضی‌الدین علی بن یوسف حلّی (۶۳۵- حدود ۷۱۰ هـ) می‌باشد که به جایگاه ممتاز علمی رسیده بود و در توصیف مقام علمی وی همین بس که فتاوای فقهی وی را پسرش علامه حلّی در کتاب‌های خود وارد کرده است.

سدیدالدین کتاب‌هایی نوشته بوده که نام آنها در کتب تراجم غیر از فتاوی وارده در آثار علامه حلی درج نشده است؛ جز این که در «الذریعه» با عنوان «جواب مسألة المعرفة و المقدر اللازم منها»^{۳۳} معرفی شده است.

برای ارج نهادن به مقام معنوی و اجتماعی وی به داستان حمله هلاکوخان مغول به عتبات و بغداد و نجات دادن شهرهای مقدس توسط سدیدالدین اشاره می‌کنیم:

در بیشتر کتب تراجم نقل شده است: زمانی که هلاکو به قصد فتح عراق از خراسان به بغداد لشکر کشید و مقر حکومت بنی عباس را محاصره کرد، رعب و وحشت مغول در همه جا پخش شد و مردم اغلب شهرها برای حفظ جان و ناموس خود، به روستاهای دور دست پناه بردند. اما در شهر حله واقعه‌ای رخ داد که پسر سدیدالدین یعنی علامه حلی در کتاب «کشف الیقین» خود در فضایل مولی علی علیه السلام و اخبار غیبی آن امام همام یاد کرده؛ از جمله خبر دادن امام به عمران و آبادی بغداد و احوال دولت بنی عباس و زوال حکومت آنها توسط قوم مغول و همین ماجرا باعث شد که مردم کوفه، حله و نجف و کربلا و سایر نواحی شیعه‌نشین، در حمله مغول و فتح عراق از آسیب و قتل و نهیب آنان محفوظ بمانند؛ زیرا هنگامی که هلاکوخان به بغداد رسید و آن‌جا را محاصره کرد، بیشتر مردم حله به بیابان‌ها فرار کردند و تنها عده اندکی در شهر ماندند؛ از جمله آن عده پدر علامه حلی رحمته الله و سید مجدالدین و فقیه ابن ابی الفر محمد بن علی (متوفای ۶۷۴ هـ) بودند. این سه دانشمند جلسه کردند و برای رهایی حله و اماکن مقدس به مذاکره و چاره‌جویی پرداختند.

آنها سرانجام چنین مصلحت دیدند که با هلاکوخان مکاتبه کنند و تسلیم خود و مردم حله شهرهای مقدس را به وی اعلام دارند. پس نامه‌ای نوشتند و در آن از هلاکو امان خواستند تا در صورت فتح عراق و سقوط بغداد، اماکن مزبور و اهل آن‌جا امنیت داشته باشند. این نامه را توسط یک نفر ایرانی برای هلاکو فرستادند. هلاکو فرمانی نوشت و به وسیله دو نفر برای آنها فرستاد و گفت به اینها بگویند: اگر دل‌های شما به آنچه در نامه خود نوشته‌اید گواهی می‌دهد و موافق است، شخصاً نزد من بیایید، تا از شما توضیحی بخواهم. وقتی پیغام هلاکو رسید، آن سه دانشمندان از رفتن به نزد آن مرد خون‌خوار بیمناک شدند؛ زیرا از پایان کار هراس داشتند. در آن میان سدیدالدین به فرستادگان هلاکو گفت: اگر من به تنهایی بیایم

کافی است؟ گفتند: آری. پس سدیدالدین به اتفاق آنها به نزد هلاکو رفت. هلاکو از او پرسید: با این که هنوز وضع ما در فتح و تسخیر عراق و شهر بغداد و دستگیری پادشاه شما معلوم نیست، چگونه جرأت کردید با من مکاتبه و اظهار تسلیم و انقیاد نمایید و از عواقب این کار در نزد خلیفه و سلطان خود ایمن باشید؟!

سدیدالدین گفت: از حضرت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده که در خطبه «زوراء» فرمود:

زوراء و نمی دانی زوراء چیست؟ زمینی است دارای درختان گز و ساختمان های محکم و مردم بسیاری در آن جا سکونت خواهند داشت. رجال و امرا در آن جا هستند. فرزندان عباس آن را مقر سلطنت خود قرار می دهند. آن جا پر از زر و سیم و اموال می گردد و اهلش شب و روز در عیش و نوش به سر می برند. همه گونه ظلم و تعدی و خوف هراس معمول می شود. پیشوایان بدکار، امیران فاسق و وزرای خائن در آن جا گرد می آیند و فرزندان ایران و روم را به خدمت می گیرند. اگر کار خوبی ببینند، عمل نمی کنند و از کار زشت جلوگیری نمی نمایند. در آن موقع اندوه عمومی و گریه طولانی پدید آید. وای بر مردم بغداد!

امام علیه السلام در این جا اوصاف و چهره قوم مغول و پادشاه آنان و دلاوری سلطان مغول را بازگو کرده و می فرماید: هر پرچمی که برضد وی برافراشته شود، سرنگون می گردد. وای بر کسی که با وی دشمنی کند! او پیوسته چنین است تا آن که سرانجام بر بغداد پیروز گردد». ۳۴

هنگامی که خواجه نصیرالدین طوسی وارد حله شد و به حوزه درس محقق حلی درآمد و شاگردان محقق را نگریست، از محقق پرسید کدام یک از اینان اعلم می باشند؟ محقق فرمود: همه اینها از فضلا و علما هستند؛ با این فرق که یکی در یک فن مبرز می باشد و دیگری در فن دیگر. خواجه نصیر پرسید: اعلم ایشان در علم اصول کیست؟ محقق اشاره به پدرم سدیدالدین و فقیه مفیدالدین محمد بن جهیم کرد و گفت: این دو نفر از همه این جماعت در علم کلام و اصول فقه اعلم می باشند.

آن‌گاه سدیدالدین به هلاکو گفت: چون امیرالمؤمنین علیه السلام قومی از مغولان را بدین گونه توصیف نموده و ما شما را چنین یافتیم و اوصافی را که در خطبه امام علیه السلام آمده، در شما دیدیم، یقین کردیم که اگر با شما از در دوستی در آییم، ایمن خواهیم بود و به همین سبب نزد شما آمدیم.

هلاکو و سران لشکر او از این موضوع خوشنود گشتند و فرمانی نوشته، به پدرم دادند مبنی بر این که در صورت فتح عراق و سقوط بغداد، شهر حله و نقاط دیگر که تقاضا کرده‌اند در امان باشند.^{۳۵}

سرانجام همان گونه که امام فرموده بود، اتفاق افتاد و اقدام به موقع و مدبرانه شیخ سدیدالدین باعث شد که شهرهای شیعه‌نشین، از جمله نجف و کربلا از هجوم و فتنه آن غارتگران مصون بمانند.

آری، دوران‌دیشی و تدبیر این فقیه فرزانه باعث شد که مردم حله در آزادی و آرامش زندگی کنند و شهر تبدیل به یک مرکز فرهنگی و دینی شیعی در آن زمان گردد. درباره تاریخ ولادت و رحلت این فقیه دوران‌دیش در جایی از کتب رجال و تراجم به صورت دقیق اشاره نشده، ولی از آن‌جا که استاد او محقق حلی در سال ۶۷۶ هجری و هم‌درس او ابن سعید حلی در ۶۹۰ هجری رحل سفر کرده‌اند، می‌توان عروج ملکوتی ایشان را در حدود ۶۸۰ هجری تخمین زد. درود خدا بر روان پاکش.

برای اطلاع بیشتر:

۱. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۳۹۹.
۲. الذریعة، ج ۵، ص ۱۹۲.
۳. امل الآمل، ج ۲، ص ۳۵.
۴. روضات الجنات، ج ۸، ص ۲۰۰.
۵. فوائد الرضویه، ج ۲، ص ۱۹۴-۱۹۷.
۶. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱۴-۳۱۵.
۷. انوار الساطعة، ۲۹.
۸. معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۱۷۳.
۹. مستدرکات اعیان الشیعه، ص ۲۵۵.
۱۰. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۳۵۶.
۱۱. رجال ابن داود، ص ۱۱۹.
۱۲. مفاخر الاسلام، ج ۴، ص ۱۹۹.
۱۳. لؤلؤة البحرين، ۲۳۰.
۱۴. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۸۸.
۱۵. کشف الشیعه، ص ۱۰.
۱۶. عمده الطالب، ص ۱۶۷.
۱۷. تاریخ الحله، ج ۲.



سید تاج‌الدین ابو عبدالله محمد بن قاسم حسنی دیباجی معروف به «ابن معیّه» یکی دیگر از نام‌آوران پرآوازه شهر حلّه و از خاندان «معیّه» دیباجی، از خاندان‌های معروف و سرشناس عراق و حلّه است. تبار دیباجی‌ها به واسطه ابوالقاسم علی بن حسن بن اسماعیل بن دیباج بن ابراهیم عمر و از وی به امام حسن مجتبی (علیه السلام) می‌پیوندد. این طایفه در عراق و حلّه از دیرباز ریاست و نقابت داشته‌اند. وی در حلّه نشو و نما کرد و در اثر تلاش و کوشش و تربیت پدر بزرگوارش، به مراتب بالای علمی رسید که از مفاخر استادان شهید اول و فرزندان او و خود، شاگرد گروه بسیاری از دانشمندان برجسته است که بیشتر آنها از سادات علوی بودند.



تبار دیباجی‌ها به واسطه ابوالقاسم علی بن حسن بن اسماعیل بن دیباج بن ابراهیم عمر و از وی به امام حسن مجتبی (علیه السلام) می‌پیوندد. این طایفه در عراق و حلّه از دیرباز ریاست و نقابت داشته‌اند. وی در حلّه نشو و نما کرد و در اثر تلاش و کوشش و تربیت پدر بزرگوارش، به مراتب بالای علمی رسید که از مفاخر استادان شهید اول و فرزندان او و خود، شاگرد گروه بسیاری از دانشمندان برجسته است که بیشتر آنها از سادات علوی بودند.

آل معیّه علاوه بر این که در علم فقه و حدیث و عروض، ادب و غیره، به مقام استادی رسیده بود، در علم انساب و تبارشناسی نیز به بالاترین درجه علمی نائل گشت؛ به گونه‌ای که او را متخصص علم نسب‌شناسی یاد کرده‌اند. به گفته شاگرد او احمد بن عنبه: «علم نسب در زمان وی منتهی گشت.»^{۳۶} و یا در جایی گفته است:

مقام استادی و پیشوایی وی در تبارشناسی به آن جا رسید که در عراق کسی از تباردانان نبود، مگر آن که شاگرد او بوده و از وی بهره یافته باشد.^{۳۷}

اساتید و مشایخ روایی وی عبارتند از:

۱. جمال‌الدین ابومنصور حسن بن مطهر حلّی (۶۴۸ - ۷۲۶ هـ)؛ ۲. شیخ صفی‌الدین محمد بن سعید؛ ۳. شیخ

نجم‌الدین ابوالقاسم عبدالله بن حملان؛ ۴. سید جمال‌الدین یوسف بن ناصر بن حماد حسینی (۷۲۷ هـ)؛ ۵. سید جلال‌الدین جعفر بن علی حسینی؛ ۶. علم‌الدین مرتضی علی بن عبدالحمید فخار موسوی (۷۶۰ هـ)؛ ۷. رضی‌الدین علی بن عبدالکریم بن طاووس (۷۲۱ هـ)؛ ۸. پدر بزرگوارش سید ابوجعفر قاسم بن حسین (زنده به سال ۶۰۳ هـ)؛ ۹. قاضی ابوعلی محمد بن محفوظ بن وشّاع (۷۲۵ هـ)؛ ۱۰. صفی‌الدین محمد بن حسن بن الرضا علوی (۷۳۵ هـ)؛ ۱۱. صفی‌الدین محمد بن محمد بن محمد بن ابی الحسن موسوی؛ ۱۲. جلال‌الدین محمد بن محمد کوفی هاشمی؛ ۱۳. کمال‌الدین حسن بن محمد آوی حسینی (۷۲۰ هـ)؛ ۱۴. زین‌الدین جعفر بن علی حلّی؛ ۱۵. سید ناصرالدین عبدالمطلب حسنی جزری (۷۵۳ هـ)؛ ۱۶. کمال‌الدین علی بن حسین بن حماد واسطی (۷۴۵ هـ)؛ ۱۷. سید فخرالدین احمد بن علی بن عرفه حسینی؛ ۱۸. سید مجدالدین ابوالفوارس محمد بن اعرج حسینی؛ ۱۹. سید ضیاء‌الدین عبدالله بن محمد بن اعرج حسینی (۶۸۳ - ۷۵۴ هـ)؛ ۲۰. محمد بن غزال مصری کوفی.

این بزرگواران مشایخ روایی وی بوده‌اند؛ اما استادانی که علوم را از آنان فرا گرفته:

۱. ابو عبدالله بن اعرج (۷۴۵ هـ)؛ ۲. محمد بن محمد بن مطهر فخرالمحققین؛ ۳. علی بن محمد علی کاشانی؛ ۴. رضی‌الدین علی بن احمد مزیدی (۷۵۷ هـ)؛ دانشمندانی که وی با آنان هم‌دوره بوده و از آنان بهره گرفته و روایت کرده و آنها نیز از وی روایت کرده‌اند:

۱. سید عزالدین حسن بن ابی‌الفتح دهان حسینی؛ ۲. جمال‌الدین احمد بن محمد حداد (زنده به سال ۷۴۵ هـ)؛ ۳. شمس‌الدین محمد بن علی بن غنی. ۴. قوام‌الدین محمد بن فقیه علی بن مطهر (برادرزاده علامه حلّی)؛ ۵. ظهیرالدین محمد بن محمد بن مطهر.^{۳۸} ابن معیّه عمری طولانی داشت و در حیات طیبه خود توانست از اساتید برجسته بسیاری بهره‌مند شود که تعداد اساتید وی را بالغ بر شصت نفر شمرده‌اند.

از نکته‌های جالب در زندگی این عالم ربانی این است که وی به شهید اول، محمد بن مکی عاملی (شهید سال ۷۸۶ هـ) در تبارشناسی اجازه داده و در پایان، خودش از شهید اجازه گرفته است.^{۳۹}

شاگردان

کسانی که در فقه، حدیث و انساب و دیگر علوم از وی بهره‌مند شده‌اند یا کسانی که با واسطه یا بدون واسطه از وی اجازه گرفته‌اند، بسیاریند که ما به نام چند نفر از آنان بسنده می‌کنیم:

۱. شهید اول، محمد بن محمد مکی عاملی (۷۳۴ - ۷۸۶ هـ)؛ ۲. ابوطالب محمد بن محمد، پسر شهید اول؛ ۳. ابوالقاسم علی، فرزند دیگر شهید اول؛ ۴. فاطمه، ملقب به «ست المشایخ»، دختر شهید اول؛ ۵. فاطمه ام‌الحسین، ملقب به «سیده المشایخ»، دختر ابن معیه؛ ۶. سید حسن بن ابی‌الفتح بن دهان حسینی؛ ۷. جمال‌الدین احمد بن محمد حداد (زنده به سال ۷۴۵ هـ)؛ ۸. شمس‌الدین محمد بن محمد، پسر فخر‌المحققین؛ ۹. صاحب «عمدة الطالب» احمد بن علی بن عنبه (۷۴۸ - ۸۲۸ هـ)؛

و داماد این عالم بزرگوار که بیش از دوازده سال از محضر وی بهره جست. گفتنی است که ابن معیه سه دختر داشته که هر سه اهل فضل و کمال بودند.^{۴۰} در توصیف جایگاه علمی این تبارشناس و تاریخ‌نگار برجسته عالم تشیع، به دیدگاه چند تن از بزرگان عرصه علم و عمل بسنده می‌کنیم.

صاحب «امل‌الآمل» وی را عالم جلیل‌القدر، شاعر و ادیب^{۴۱} و شهید اول او را اعجوبه زمان و مجمع فضایل و از وزنه‌های کم‌نظیر زمان توصیف می‌کند. ابن عنبه شاگرد و داماد وی که دوازده سال در کنار وی بوده می‌گوید:

اما روایات او از مشایخ و وسعت آن و آشنایی وی به غوامض حدیث و الحاق

آن به علمای بزرگ گذشته، چیزی نیست که مخالفی داشته باشد.^{۴۲}

ابن معیه علاوه بر این که به شهید اول اجازه در نسب‌شناسی داده بود، به سه فرزند آن شهید،

یعنی ابوطالب محمد و ابوالقاسم علی و فاطمه «ست المشایخ» نیز اجازه داده بود.^{۴۳}

تألیفات

۱. اخبار الامم (شاگردش مجلدات آن را ۱۱ جلد نگاشته است)؛ ۲. تبدیل الاعقاب؛ ۳. الابتهاج فی الحساب؛ ۴. الثمرة الظاهرة من الشجرة الطاهرة (در ۴ جلد در انساب طالبیان که به صورت مشجر به نگارش درآمده است)؛ ۵. الجذوة الزینیه؛ ۶. سبک الذهب فی سبک

النسب؛ ۷. كشف الالتباس فی نسب بنی عباس؛ ۸. معرفة الرجال (در ۲ جلد)؛ ۹. منهاج الاعمال فی ضبط الاعمال؛ ۱۰. الفلک المشحون فی انساب قبائل و البطون؛ ۱۱. نهاية الطالب فی آل ابی طالب علیه السلام (در ۱۲ جلد بزرگ).

غیر از این آثار، بنا بر نقل شاگرد بزرگوارش و صاحب کتاب «عمدة الطالب» این عالم نسب‌شناس کتاب‌های دیگری در فقه، حساب، عروض و حدیث نگاشته بوده، اما متأسفانه هیچ‌کدام از این آثار به دست ما نرسیده است. ابن معیبه نزدیک به پنجاه سال استاد یگانه علم انساب بود و در استادی این علم، انگشت‌نما بود.

آری، این فقیه، مورخ، ادیب و شاعر شیعه پس از عمری بابرکت در هشتم ربیع الثانی ۷۷۶ هجری در شهر حله درگذشت و بعد از انتقال جسد مطهرش، در جوار بارگاه ملکوتی مولی الموحدین علی بن ابی طالب علیه السلام به خاک سپرده شد. روحش شاد.

برای اطلاع بیشتر به مصادر ذیل مراجعه کنید:

۱. مفاخر اسلام، ج ۴، ص ۳۱۴ - ۳۱۵.
۲. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۸، ص ۲۱۶ - ۲۱۸.
۳. الفصول النصريه، لابن عنبه، ص ۱۸ - ۲۱.
۴. عمدة اطالب، ص ۱۶۹ و ۱۷۰.
۵. لؤلؤة البحرين، ص ۱۸۵.
۶. دائرة المعارف تشيع، ص ۳۶۹.
۷. رياض العلماء، ج ۵، ص ۱۵۲.
۸. امل الامل، ج ۲، ص ۲۹۴.
۹. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۷۳.
۱۰. روضات الجنات، ج ۶، ص ۳۲۴.
۱۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۱۲.
۱۲. هدية العارفين، ج ۲، ص ۱۶۶.
۱۳. اعيان الشيعة، ج ۱۰، ص ۳۹.
۱۴. الكنى واللقاب، ج ۱، ص ۴۱۵.
۱۵. الفوائد الرضويه، ج ۲، ص ۹۱۷ - ۹۲۰.
۱۶. ریحانة الادب، ج ۸، ص ۲۱۶.
۱۷. الذريعة، ج ۱، ص ۲۴۴، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷

برای زینت بخشیدن به این گفتار، نام عده‌ای از فقیهان، شاعران و نویسندگان حلی، از قرن ششم تا چهاردهم را آورده‌ایم:

۱. محمد بن علی حلی ابن حمیره نجوی (۴۸۶ - ۵۵۵ هـ) لغوی، ادیب و شاعر؛
۲. هبة الدین بن نما حلی (۵۷۳ هـ)؛
۳. محمد بن احمد حلی، فقیه، شاعر، لغوی و ادیب؛
۴. محمد بن ادریس حلی (۵۴۲ - ۵۹۸ هـ) فقیه و محدث؛
۵. نصر بن علی حلی ابن خازن (۶۰۰ هـ) لغوی و نحوی؛
۶. یحیی بن حسن بن بطریق حلی (۵۲۳ - ۶۰۰ هـ) فقیه، محدث، متکلم، ادیب و شاعر؛
۷. قاسم بن حسن ابن معیه (زنده به سال ۶۰۳ هـ)؛
۸. ورام بن ابی فراس حلی (۶۰۵ هـ). فقیه؛
۹. موسی بن جعفر بن طاووس (۶۰۵ هـ)؛
۱۰. هبة الدین حامد حلی (۵۲۹ - ۶۰۹ هـ) لغوی، شاعر، فقیه؛
۱۱. اسور بن ابراهیم حلی (زنده به سال ۶۱۰ هـ) محدث؛
۱۲. علی بن حسن عریضی حلی (بعد از ۶۲۰ هـ) عالم؛
۱۳. یوسف بن علوان حلی (۶۲۸ هـ) فقیه، محدث؛
۱۴. سالم بن محفوظ سوراوی (۶۳۰ هـ) فقیه، اصول، متکلم، شاعر؛
۱۵. فخار بن مسعد موسوی حلی (۶۳۰ هـ) شاعر، نسب‌شناس، محدث؛
۱۶. محمد بن احمد نیلی (۵۹۱ - ۶۵۶ هـ). ادیب، شاعر، وزیر؛
۱۷. علی بن موسی طاووس الاول (۵۸۹ - ۶۶۴ هـ) فقیه؛
۱۸. سید احمد بن موسی بن طاووس (۶۷۳ هـ) فقیه، رجالی، محدث، متکلم، اصولی، شاعر؛
۱۹. جعفر بن حسن زکی محقق حلی (۶۰۲ - ۶۷۶ هـ) فقیه، محدث، متکلم، اصولی؛
۲۰. جعفر بن محمد بن نما حلی (۶۸۰ هـ) فقیه، محدث، اصولی؛
۲۱. محمد بن علی بن جهیم حلی (۶۸۰ هـ) فقیه، اصولی، محدث؛
۲۲. محفوظ بن وشاح اسدی (۶۹۰ هـ) فقیه، شاعر؛
۲۳. ابراهیم بن علوان حلی (زنده به سال ۷۰۸ هـ) محدث؛
۲۴. علی بن یوسف مطهر حلی (۶۳۵ - ۷۱۰ هـ) فقیه، محدث؛
۲۵. سید علی بن علی طاووس ثانی (۶۴۷ - ۷۱۱ هـ) نسب‌شناس؛
۲۶. محمد بن محفوظ اسدی حلی (۷۲۵ هـ) محدث؛

۲۷. علامہ حسن بن یوسف حلی (۶۴۸ - ۷۲۶ ہ) فقیہ، متکلم، حکیم، محدث، اصولی، شاعر، ادیب؛
۲۸. حسن بن علی بن داود حلی (۶۴۷ - ۷۴۱ ہ) فقیہ، کلامی، رجالی؛
۲۹. احمد بن محمد بن حداد حلی (زنده بہ سال ۷۴۵ ہ) فقیہ، شاعر؛
۳۰. علی بن حسین بن حماد لیبی (ح ۷۴۵ ہ) محدث؛
۳۱. عبدالعزیز بن سراہا حلی (۶۷۷ - ۷۵۰ ہ) شاعر؛
۳۲. حسن بن احمد ربیع حلی (بعد از ۷۵۲ ہ) محدث؛
۳۳. عبدالمطلب بن محمد اعرجی (۶۸۱ - ۷۵۴ ہ) فقیہ، محدث، متکلم؛
۳۴. علی بن محمد کاشی حلی (۶۷۵ - ۷۵۵ ہ) فقیہ، اصولی، متکلم؛
۳۵. محمد بن صدقہ حلی (زنده بہ سال ۷۵۸ ہ)؛
۳۶. مرتضیٰ علی بن عبدالحمید (۷۶۰ ہ) محدث، فقیہ، نسب شناس؛
۳۷. محمد بن حسن حلی فخر المحققین (۶۸۲ - ۷۷۱ ہ) فقیہ، مجتہد، اصولی، کلامی؛
۳۸. محمد بن حسین حلی ابن بقال (۷۰۸ - ۷۸۰ ہ) شاعر؛
۳۹. علی بن محمد نیلی حلی (زنده بہ سال ۷۹۱ ہ) محدث؛
۴۰. عبدالرحمن بن محمد عتاتقی (۶۹۵ - ۷۹۳ ہ) فقیہ، اصولی، طبیب، فیلسوف، منجم، ریاضیدان؛
۴۱. حافظ رجب بن محمد برسی (۷۴۳ - ۸۱۳ ہ) شاعر، فقیہ، متکلم، محدث؛
۴۲. محمد بن عبداللہ سبعی (۸۱۵ ہ) شاعر؛
۴۳. مقداد بن عبداللہ سیوری حلی (۸۲۶ ہ) فقیہ، متکلم؛
۴۴. حسن بن راشد حلی (۸۳۰ ہ) فقیہ، اصولی، متکلم و شاعر؛
۴۵. محمد بن شجاع حلی (زنده بہ سال ۸۳۱ ہ) فقیہ؛
۴۶. احمد بن محمد بن فہد حلی (۷۵۷ - ۸۴۱ ہ) فقیہ، متکلم اصولی، محدث؛
۴۷. محمد بن سلیمان بیاتی فضولی (۹۶۳ ہ) شاعر؛
۴۸. محمود بن درویش علی حلی (بعد از ۱۰۷۰ ق) فقیہ؛
۴۹. احمد بن حسن نحوی حلی (۱۱۸۳ ہ) شاعر؛
۵۰. سید سلیمان بن داود حلی (۱۱۴۱ - ۱۲۱۱ ق) فقیہ، محدث، شاعر؛
۵۱. محمد بن ادیس ابن مظہر حلی (۱۲۴۷ ق) فقیہ، ادیب، شاعر؛
۵۲. مہدی بن داود حلی (۱۲۲۲ - ۱۲۸۹ ق) ادیب، شاعر، مورخ، فقیہ؛
۵۳. صالح بن مہدی الکواز (۱۲۳۳ - ۱۲۹۰ ق) شاعر، ادیب؛
۵۴. علی بن ظاہر مطیری (۱۲۴۰ - ۱۲۹۰ ق) شاعر؛

۵۵. محمدرضا بن موسی حلی (۱۲۳۸ - ۱۲۹۷ ق) فقیه؛
۵۶. جعفر بن محمد مهدی قزوینی حلی (۱۲۵۳ - ۱۲۹۸ ق) فقیه، اصولی، شاعر؛
۵۷. حسن بن محمد صالح فلوجی حلی (۱۲۹۹ ق) فقیه، اصولی؛
۵۸. سید حیدر بن سلیمان حلی (۱۲۴۶ - ۱۳۰۴ ق) ادیب، شاعر؛
۵۹. حسون بن عبدالله مهدی حلی (۱۲۵۰ - ۱۳۰۵ ق) خطیب، شاعر؛
۶۰. سلمان بن داود حلی (۱۲۶۵ - ۱۳۰۸ ق) خطیب، ادیب؛
۶۱. جعفر بن احمد حلی (۱۲۷۷ - ۱۳۱۷ ق) شاعر، ادیب؛
۶۲. جعفر بن حمد حلی (۱۲۷۷ - ۱۳۱۵ ق) ادیب، شاعر؛
۶۳. حسن بن محسن حلی (۱۲۴۷ - ۱۳۱۷ ق) شاعر؛
۶۴. حسین بن مهدی قزوینی حلی (۱۲۶۸ - ۱۳۲۵ ق) فقیه، اصولی، شاعر، ادیب؛
۶۵. محمد بن سلمان حلی حمادی (۱۲۲۰ - ۱۳۲۵ ق) شاعر؛
۶۶. باقر بن هادی قزوینی (۱۳۰۴ - ۱۳۳۳ ق) شاعر، ادیب؛
۶۷. محمد بن مهدی قزوینی حلی (۱۲۶۲ - ۱۳۳۷ ق) فقیه، شاعر؛
۶۸. هاشم بن حمد (احمد) حلی (۱۲۶۹ - ۱۳۴۱ ق) شاعر، فقیه؛
۶۹. جواد بن عبد علی حلی (۱۲۸۵ - ۱۳۴۳ ق) شاعر؛
۷۰. ناجی بن حمادی خمیس (۱۳۱۱ - ۱۳۴۹ ق) شاعر، فقیه؛
۷۱. محمد حسین بن حمد جباوی حلی (۱۲۸۵ - ۱۳۵۲ ق) فقیه، مجتهد، شاعر، ادیب؛
۷۲. جواد بن هادی قزوینی حلی (۱۲۹۶ - ۱۳۵۸ ق) شاعر، ادیب؛
۷۳. صالح بن حسین حلی (۱۲۹۰ - ۱۳۵۹ ق) عالم و فاضل؛
۷۴. سید عیسی بن حمد (محمد) حلی (۱۲۸۷ - ۱۳۷۳ ق) نسب شناس؛
۷۵. جعفر بن محمد بن ربیع حلی (۱۲۹۹ - ۱۳۷۴ ق) ادیب، طبیب؛
۷۶. عبدالحسین بن قاسم حلی (۱۲۹۹ - ۱۳۷۴ ق) مورخ، شاعر؛
۷۷. علی بن محمود سماکه حلی (۱۳۱۹ - ۱۳۹۰ ق) مدرس، ریاضی دان، فقیه؛
۷۸. جواد بن احمد علوش حلی (۱۳۴۶ - ۱۳۹۶ ق). استاد دانشگاه، شاعر؛
۷۹. مسلم بن حمود حلی (۱۳۳۵ - ۱۴۰۱ ق) ادیب؛
۸۰. هادی بن حمد حلی (۱۳۲۶ - ۱۴۰۶ ق) شاعر، ادیب، فقیه؛
۸۱. حاتم بن حمزه حمود (۱۳۶۶ - ۱۴۱۱ ق) شاعر.

پی‌نوشت‌ها:

۱. یوسف کرکوش حلی، تاریخ الحله، مطبعة الحیدریة، ۱۳۸۵ ق، ج ۱، ص ۱ - ۲۲؛ دایرة المعارف تشیع، ج ۶، ص ۵۰۶؛ ابن‌نما حلی، مثیر الاحزان، مقدمه، ص ۸؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۹۴.
۲. محمدعلی موحد، ترجمه سفرنامه ابن بطوطه، تهران، علمی و فرهنگی، ج ۱، ص ۲۳۸.
۳. دایرة المعارف تشیع، ج ۶، ص ۵۰۶؛ میرزا محمدعلی مدرس تبریزی، ریحانة الادب، ج ۱ ص ۳۴۳؛ تاریخ الحله، ج ۱، ص ۱ و ۲۲؛ دایرة المعارف، بستانی، ج ۷، ص ۱۵۴.
۴. آقابزرگ تهرانی، انوار الساطعة، ص ۹۲ و ابن‌داود در رجال خود ص ۱۳۰ تاریخ تولد وی را ۶۴۸ هجری و همچنین ابن فوطی در معجم الآداب، ج ۲، ص ۴۴۲ همیسن نظر را دارد؛ ولی صاحب‌اعیان الشیعه در ج ۸، ص ۴۲ تولد وی را ۶۴۷ هجری ذکر کرده است.
۵. علی‌دوانی، مفاخر اسلام، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، اول، ج ۴، ص ۲۳۲ و ۲۳۳؛ شیخ‌عباس قمی، فؤاد الرضویه، ج ۱، ص ۴۰۶ و ۴۰۷؛ میرزا عبدالله اصفهانی، ریاض العلماء، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ج ۳، ص ۱۶۴ - ۱۷۹.
۶. مفاخر اسلام، ج ۴، ص ۲۳۰؛ ریاض العلماء، ج ۳، ص ۱۶۴ - ۱۷۹.
۷. حسن بن داود (حلی)، رجال، ص ۲۲۶.
۸. سیدعبدالکریم بن طاووس، فرحة الغری، ص ۱۳۱.
۹. همان، مقدمه کتاب؛ ریحانة الادب، ج ۸، ص ۷۵.
۱۰. فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران، ج ۷، ص ۹۲۰ و ۹۲۱.
۱۱. مفاخر اسلام، ج ۴، ص ۲۳۱.
۱۲. تاریخ الحلة، ج ۲، ص ۳۰؛ ریاض العلماء، ج ۳، ص ۱۶۴ - ۱۷۹.
۱۳. فوائد الرضویه، ج ۲، ص ۱۰۸۳؛ ریاض العلماء، ج ۵، ص ۳۳۶؛ مقدمه کتاب «الجامع للشرایع»؛ شیخ حرّ عاملی، امل‌الآمل، نجف، مکتبة الاندلس، ج ۲، ص ۳۴۶.
۱۴. مقدمه کتاب «الجامع للشرایع»؛ ریاض العلماء، ج ۵، ص ۳۴۰.
۱۵. مقدمه کتاب «الجامع للشرایع» چاپ ۱۴۰۵ ق، زیر نظر استاد جعفر سبحانی.
۱۶. امل‌الامل، ج ۲، ص ۳۴۷.
۱۷. رجال ابن‌داود، ص ۳۷۱؛ ریاض العلماء، ج ۵، ص ۳۴۰؛ فوائد الرضویه، ج ۲، ص ۱۰۸۴.
۱۸. قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ص ۲۳۴.
۱۹. فوائد الرضویه، ج ۲، ص ۱۰۸۳.
۲۰. فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران، ج ۳، ص ۵۸۳.
۲۱. همان، ج ۱، ص ۶۵۸ - ۶۶۰.
۲۲. همان، ج ۸، ص ۶۱۸.

۲۳. مفاخر اسلام، ج ۴، ص ۲۲۰؛ رياض العلماء، ج ۵، ص ۳۳۶ - ۳۴۰.
۲۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۶۲؛ مفاخر اسلام، ج ۴، ص ۲۲۱؛ فوائد الرضوية، ج ۲، ص ۱۰۸۲ - ۱۰۸۵.
۲۵. فوائد الرضوية، ج ۲، ص ۱۰۸۳؛ جلال الدين سيوطي، بغية الوعاة، ج ۲، ص ۳۳۱؛ امل الآمل، ج ۲، ص ۳۴۶؛ تاريخ الحلة، ج ۲، ص ۱۹ - ۲۳.
۲۶. رياض العلماء، ج ۲، ص ۴۶۳؛ مفاخر اسلام، ج ۴، ص ۲۰۵؛ رجال ابن داود حلي، ص ۱۱۹.
۲۷. امل الآمل، ج ۲، ص ۲۱۱.
۲۸. رياض العلماء، ج ۲، ص ۴۶۳؛ مفاخر اسلام، ج ۴، ص ۲۰۵.
۲۹. رجال ابن داود، ص ۱۱۹.
۳۰. امل الآمل، ج ۲، ص ۳۵.
۳۱. همان.
۳۲. مفاخر اسلام، ج ۴، ص ۱۹۹ و ۲۰۰.
۳۳. آقابزرگ تهراني، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ۵، ص ۱۹۲.
۳۴. ناصر مكارم شيرازي، ترجمه گویا و فشرده‌ای بر نهج البلاغه، ج ۲، ص ۸۸ و ۸۹.
۳۵. مفاخر اسلام، ج ۴، ص ۲۰۲ - ۲۰۴؛ علامه حلي، كشف اليقين، ص ۲۸؛ فوائد الرضوية، چاپ جديد، ج ۲، ص ۱۰۹۴ و ۱۰۹۵؛ جعفر سبحاني، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱۴؛ رياض العلماء، ج ۵، ص ۳۹۵.
۳۶. احمد بن عمدة الطالب، احمد بن عنبه، قم، الرضى، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۷۰.
۳۷. همان؛ دائرة المعارف تشيع، ج ۱، ص ۳۶۹؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۸، ص ۲۱۶؛ مفاخر اسلام، ج ۴، ص ۳۱۴ و ۳۱۵.
۳۸. حافظ حسين كربلايى، روضات الجنان، ج ۶، ص ۳۲۴؛ مفاخر اسلام، ج ۴، ص ۳۱۱ - ۳۲۱؛ عمدة الطالب، ص ۱۶۹ و ۱۷۰؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۸، ص ۲۱۶.
۳۹. آقابزرگ تهراني، الحقائق الراهنه، ص ۱۹۷.
۴۰. عمدة الطالب، ص ۱۶۹ - ۱۷۱.
۴۱. امل الآمل، ج ۲، ص ۲۹۴.
۴۲. عمدة الطالب، ص ۱۶۹ - ۱۷۱.
۴۳. يوسف بحراني، لؤلؤة البحرين، ص ۱۸۵.